

## شهید جمهور

شبهه روز



او شهید است؛ چون بد اخلاقی و تهمت های انتخاباتی و تبلیغاتی، نتوانست او را از مسیر اخلاق و شرع، خارج کند و در مسیر دزندگی سیاسی سیاست زدگان قرار دهد؛

رئیس شهید است؛ چون فریادرس مظلومان بود و دردمند مستضعفان؛

رئیس شهید است؛ چون در احادیث و فرمایشات معصومان، وقتی کسی عقیده حقی دارد و در مسیر حقیقت گام بر می دارد و در راه همان عقیده حق، از دنیا می رود، شهید است.

عقیده و مرام رئیسی، خدمت بود و خدمت بود و خدمت.

او کار برای مردم را کار برای خدا می دانست و رضایت و صلاح مردم را جلوه ای از رضایت خدا.

او شهید است؛ چون معتقد بود تنها یک راه برای درست زیستن وجود دارد و آن، مسیری است که خداوند متعال، در کتاب شریفش، یعنی قرآن، بیان

«شهید»، یعنی مجاهدی که با بینش عمیق، از تعلقات دنیا، دست شسته و به استقبال مرگ می شتابد و با دو دست خود، جان را به پروردگار خود تقدیم می کند.

شهید، مورد تجلیل اولیاء است و آرامگاهش، مهد پرورش انسان ها.

شهید، زنده است و حیات بخش جامعه.

به راستی شهید کیست و چرا جایگاه او چنین است؟

شهادت، ثمر و اثر مجاهدت و جهاد است و تا انسان جهاد نکند به مقام شهادت نمی رسد.

رئیس عزیز، شهید جمهور شد؛ چون جهادی اکبر و دفاعی ترکیبی را شروع کرده بود؛

او شهید است، چون با خود خواهی ها جنگید و تصمیم داشت نگذارد تمامیت خواهان و فرصت طلبان، همه سرمایه ها و فرصت های این مرز و بوم را ملک خود بدانند؛

کرده است؛ به همین خاطر، در بزرگ ترین اجتماع حکام و سیاستمداران دنیا، قرآن را بر دست گرفت و همگان را به قرآن توجه داد.

رئیس شهید است؛ چون مجاهدتی طاقت فرسا با دیو فقر و فساد و تبعیض را شروع کرده بود و در پیکاری سهمگین با بد خواهان داخلی و خارجی نظام جمهوری اسلامی، در حال رزم بود.

رئیس می خواست ایران، حرم بماند و ایرانی، سرافراز و عزیز باشد.

رئیس، جان خود را برای آبادانی ایران، در دست گرفته بود و بنا داشت تا هر جا که می شود، برود؛ خواه سیستان باشد یا خوزستان، برای دفع سیل باشد یا آباد کردن خزانه های زلزله، بریکس باشد یا شانگهای، یکشنبه باشد یا جمعه. برای او، رفتن مهم بود؛ رفتن تا رسیدن به آرامش ایران و ایرانی سرافراز و شبانه روز رفت و رفت و... رفت.

# خط امام رادنبال کنیم



**پیرش:** منظور از «خط امام» چیست و چرا شناخت و التزام به آن، مورد تأکید رهبری است؟

«خط امام»، اصطلاحی درباره اندیشه و مسیر جامعی است که حضرت امام خمینی، درباره اسلام ناب محمدی و چگونگی تحقق حیات طیبه و رستگاری بشریت، به جامعه معرفی نمود و از سایر تفکرات التقاطی، انحرافی و سکولار، متمایز ساخت. در حقیقت، خط امام، همان راه نورانی است که امام، با ایمان کامل به هدف، راه، مردم و پروردگار خود، خالصانه و مجاهدانه پیمود و باعث فروپاشی نظام ستم‌شاهی و بیداری اسلامی در ایران و جهان شد.

شناخت خط امام، با شناخت عوامل ایجاد، حفظ، پایداری و استمرار نظام مقدس جمهوری اسلامی و تحقق اهداف و آرمان‌های الای انقلاب اسلامی در عرصه داخلی و بین‌المللی، ارتباط مستقیمی دارد و گام برداشتن در مسیر آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. به فرموده امام خامنه‌ای؛ «اگر کسی برای این کشور، دنبال عزت، شخصیت و هویت ملی است و فکر می‌کند که بایستی این کشور، هویت ملی پیدا کند تا بتواند به همه اهدافش برسد، بایستی «خط امام» رادنبال کند». تنها راه پیشرفت و اعتلای همه جانبه ایران، جلوگیری از انحراف انقلاب و بهترین شاخص در تحقق اهداف آن، تبیین صحیح خط امام است.

## چگونه می‌توان خط امام را شناخت؟

خوشبختانه بیانات امام، در دسترس ماست و به راحتی می‌توان با مراجعه به وصیت‌نامه امام، صحیفه امام و نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی،

به اصول و شاخص‌های خط امام، دست یافت. به ویژه وصیت‌نامه امام که آشکارا همه آرمان‌های امام را برای آینده انقلاب، تبیین می‌کند. «نظرات امام، یک مجموعه است و خوشبختانه بیانات امام، ثبت شده است و همین است که هست. مثل همه متونی که از آنها می‌شود تفکر گوینده را استنباط کرد؛ منتها با شیوه درست استنباط.

شیوه درست استنباط، این است که همه حرف‌ها را ببینند، آنها را در کنار هم قرار بدهند. توی آنها عام هست؛ خاص هست؛ مطلق هست؛ مقید هست. حرف‌ها را باید با همدیگر سنجید؛ تطبیق کرد؛ مجموع این حرف‌ها، نظر امام است. البته کار خیلی ساده‌ای نیست؛ اما روشن است که باید چه

کار کنیم. یک کار اجتهادی است؛ اجتهادی است که از عهده شما جوان‌ها برمی‌آید. بنشینند واقعاً گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف، نظر امام را استنباط کنند؛ از گفته‌های امام، به دست بیاورند».<sup>۲</sup>

## اصول خط امام

اصول خط امام، متعددند؛ اما مهم‌ترین شاخص‌های آن، عبارتند از:

- اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی؛
- اعتماد به صدق وعده الهی و بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی؛

- اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛
- طرفداری جدی و حمایت از محرومان و مستضعفان و مخالفت با اشرافی‌گری و طرفداری از عدالت اجتماعی؛
- طرفداری جدی از مظلومان جهان و دشمنی با مستکبران؛

- طرفداری از استقلال کشور و رد سلطه‌پذیری؛
- وحدت شیعه و سنی و همچنین وحدت اقوام.<sup>۳</sup>

اصول خط امام، منحصر به این موارد نیست؛ ولی این هفت مورد، از شاخص‌های مهم و اساسی هستند. نباید اجازه داد این شاخص‌ها، غلط تبیین شوند یا پنهان بمانند یا در جهت‌گیری‌های

داخلی و خارجی، عملکرد مسئولان، مراکز علمی و نخبگان و سبک زندگی مردم، فراموش شوند.

□ علیرضا محمدی

## پی‌نوشت:

۱. مهدی مطهری، خط امام، برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۷/۷.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۳/۱۴.

## حجاب غیرمسلمان، چرا؟



با خودش گفت: دوستی مجازی، مثل دوستی واقعی، اعتبار دارد یا نه؟ چشم به صفحه رایانه داشت؛ منتظر یک دیدار مجازی. صفحه عوض شد و چهره کنایون رو نشون داد.

- سلام چطور؟ نت ضعیفه، ببخشید، اذیت شدی؟

کنایون دستی نکون داد و گفت: خوبم. از صبح منتظرت بودم تا وصل بشی. به خبر خوب؛ فک کنم اوایل مرداد، پیشت باشم.

تصور نمی کرد یک دوستی ساده مجازی، منجر به یک دعوت واقعی از اسپانیا به ایران بشه. فریده، غافل گیر و هیجان زده شده بود.

- راستی فریده جون! من شنیدم تو ایران، هر جوری نمی شه لباس پوشید و حتما باید موهامون را پوشونیم. این خیلی سخته! نه؟ شونه هاش رو بالا انداخت و در ادامه گفت: آخه من به توریست مسیحی ام.

جوابی نداشت که ذهن مشوش او را آرام کند. این سوال خود او و بیشتر دوستان و دور و بری هاش هم بود.

- هی، بد جور تو فکری! ببین حالا که برای اولین بار به وطن مادری ام سفر می کنم، نمی خوام دغدغه فکری داشته باشم. چرا باید خودمو محصور کنم؟ اینجا همه راحتن؟ دوس دارم یکی به جواب قانع کننده به من بده.

فریده با مکتبی گفت: به فکری به ذهنم رسیده؛ یکی از دانشجویهای کلاس من که خیلی هم ازش خوشم نیامد، سایتی رو معرفی کرد و گفت آگه سوالی در مورد مسائل دینی و مذهبی داشتیم، می تونم برایشون بنویسم و اونها جواب می دن. به نظرت خوبه؟

کتی با دو انگشتش علامت پیروزی رو نشون داد.

- بهتر از این نمی شه. سلول های خاکستری مغزت، خوب فعالن.

- الان سوال رو برایشون می فرستم.

فریده، موبایل رو باز کرد و آدرس سایت رو که خیلی بدخط و عجله ای نوشته بود، پیدا کرد. با چند کلیک، وارد سایت شد. سوال رو در ذهنش طراحی کرده بود.

- ببین سوال رو این طوری بنویسم خوبه؟ «چرا کسانی که حجاب را قبول ندارند یا اصلاً مسلمان نیستند یا حتی مسافران خارجی، باید پوشش اسلامی را رعایت کنند؟» خوبه؟ بفرستم؟

- خیلی خوبه، اوکی.

سرش رو به صندلی تکیه داد و منتظر ماند.

- هی کتی! بیا جواب اومده؛ می فرستم.

مشتاق بود جواب سوالش رو زودتر بخونه و خیلی هم سعی کرد منصف و بی غرض باشه:

۱. قانون پوشش، تدبیر خداوند

مهربان و حکیم است که

در همه ادیان

آسمانی، مثل یهودیت، مسیحیت و اسلام، ثابت بوده است. اگرچه برخی از پیروان، تبعیت نکنند یا در مسیحیت، به غلط، تحریف یا لغو شده باشد.

۲. زمانی که موضوعی در کشوری، به قانون تبدیل شود، برای همه احاد آن کشور، لازم الاجرا می شود؛ چه اهل آن کشور باشند یا نباشند. در مورد اجرای قوانین، دوست داشتن و دوست نداشتن، ملاک نیست. همه قوانین، باید مثل قوانین راهنمایی و رانندگی، تبعیت شوند. احترام به قانون، یک امر بدیهی، واضح، جهانی و عقلانی است.

۳. شاید در گذشته و یاد شرایطی که پیروان بعضی از ادیان، جدا زندگی می کردند، امکان اجازه اجرای قانون مورد پذیرش آنها در بین خودشان باشد؛ اما در زمان حاضر که همه افراد، از ملل و نحل مختلف، در کنار هم زندگی و رفت و آمد می کنند، چنین امکانی وجود ندارد.

۴. اجرای یک حکم و لزوم آن در جامعه، در بند پذیرش همه مردم نیست و مجری قانون هم وظیفه قانع کردن احاد جامعه را ندارد. خواه ناخواه، همیشه مواردی از قوانین هستند که مورد پذیرش عده ای واقع نمی شوند؛ اما چون در یک کشور زندگی می کنند، باید تبعیت نمایند؛ مانند قانون پرداخت مالیات.

۵. جامعه، یک فضای عمومی است و با محیط خصوصی خانواده، فرق می کند. رفتار، کردار و ظواهر افراد جامعه، باید در محدوده قوانین باشند. امر پوشش و تاثیرگذاری آن بر همه نفوس جامعه، بسیار مهم و حیاتی است و فرقی بین مسلمان، مسیحی، یهودی و حتی افرادی دین نیست. در جامعه دینی، همه افراد، باید روزه خواری یا شراب خواری نکنند. رعایت قانون پوشش، تاثیر مستقیم بر آرامش زنان و مردان جامعه، حفظ ارکان خانواده، سلامت جسمی و روحی افراد، جلوگیری از مسابقه در

تجمل و مصرف لوازم آرایشی و مانند اینها دارد.

۶. لطفاً به این سوال فکر کنید:

«شما وقتی به کشور دیگری

سفر می کنید، آیامی توانید

و مجازید خلاف قوانین

رانندگی، اقتصادی،

سیاسی و دینی آنجا، عمل کنید؛

چون آن قوانین را دوست ندارید؟ هرگز!

۷. برخی اساساً عقل ستیزند و فقط به دنبال خواسته و میل خود هستند و برای گریز از

قبول قوانین و امور بدیهی عقلی و عرفی جامعه، به توجیه و فرافکنی رو

می آورند. آنها می گویند: «اگر کسی قانونی را

قبول ندارد، چرا باید آن را انجام بدهد؟ آیا این دور

از عقل نیست؟ ما انسان های متمدنی هستیم».

وقتی دلیل منطقی و عقلی برایشان می آورید، با در

جاده توجیه و تمسخر می گذارند. همه می دانیم که اصل ماندگاری یک تمدن، وجود و رعایت قوانین

آن است.

کتی! نظرت چیه؟

کتی، نفس عمیقی کشید و گفت: فکر می کنم حرفشون منطقیه و حتی اگر اعتقاداتشون رو قبول نداشته باشیم، لااقل باید به قانون کشور، احترام بذاریم. الان که فکر می کنم، می بینم ماهم در اسپانیا قوانینی داریم که ممکنه به مذاق توریست های کشورهای دیگه، خوش نیاد؛ ولی لازمه که رعایت بشن؛ و الا هرج و مرج پیش میاد.

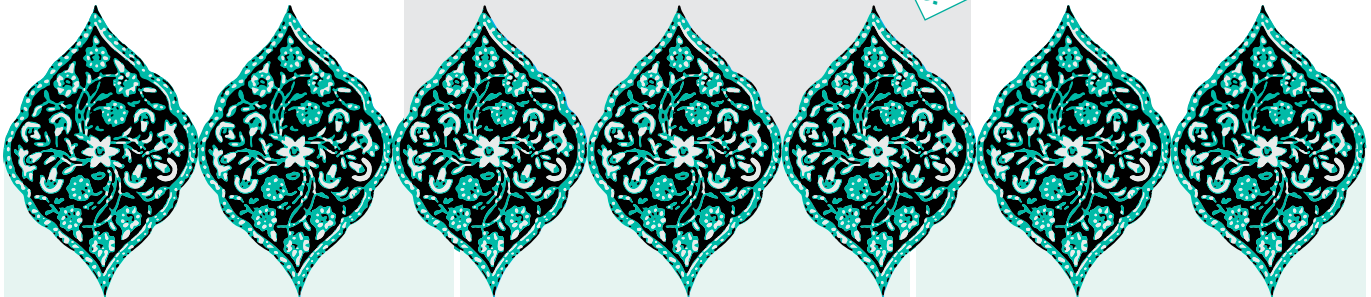
یک ماه و نیم بعد، ساعت یک نیمه شب، فریده، پشت شیشه های سالن انتظار فرودگاه، چشم به راه کتی بود. همدیگر رو گرم در بغل گرفتند. و از فرودگاه خارج شدند.

□ حمید کریمی و س. اسفندیار



# روش شناسی اهل بیت علیهم السلام در پاسخ به شبهات

معرفی کتاب



یکی از اصلی ترین روش های اهل بیت در پاسخ به شبهات، استفاده از مقبولات طرف مقابل است. ائمه در موارد متعددی، برای پاسخ گویی به شبهه، پاسخ را از منابع طرف مقابل، ارائه داده اند و به این وسیله، راه هر گونه بهانه جویی را بسته، اقتدار علمی خویش را نیز به اثبات رسانیده اند. در این زمینه، اگر طرف مقابل، از غیرمسلمانان بوده، از منابع دینی خود او، پاسخ گرفته و اگر

از مسلمانان غیرشیعی بوده، از قرآن و سیره رسول خدا، جواب را دریافت نموده اند.

در مجلس مأمون، جاثلیق مسیحی، از امام رضا علیه السلام سؤالی پرسید و امام با استفاده از انجیل یوحنا، به او پاسخ داد:

جاثلیق پرسید: درباره نبوت عیسی و کتابش، چه عقیده ای داری؟ آیا منکر آن دو هستی؟

امام فرمود: من به نبوت عیسی و کتابش و به آنچه امتش را بدان بشارت داده و حواریون نیز آن را قبول کرده اند، ایمان دارم و به عیسی ای که به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و کتاب او ایمان نداشته و امت خود را به او بشارت نداده، کافر.

جاثلیق گفت: مگر هر حکمی، نیاز به دو شاهد عادل ندارد؟

امام فرمود: آری.

او گفت: پس دو گواه عادل از غیرهم دینان خود که مسیحیان نیز آنها را قبول داشته باشند، معرفی فرما و از ما نیز از غیرهم دینانت، دو شاهد عادل بخواه.

امام فرمود: اکنون کلام به انصاف رانندی.

آیا فردی را که نزد حضرت مسیح، دارای مقام و منزلتی بود، قبول داری؟

جاثلیق گفت: این شخص عادل کیست؟ نامش را بگو.



امام فرمود: نظرت درباره یوحنا دیلمی چیست؟

جاثلیق گفت: به به! نام محبوب ترین شخص، نزد مسیح را بردی.

امام فرمود: تو را سوگند می دهم! آیا در انجیل نیامده که یوحنا

گفت: مسیح، مرا به کیش محمد عربی آگاه نمود و بشارت داد که بعد از او، خواهم آمد و من نیز به حواریون مژده دادم و آنان به او ایمان آوردند؟

جاثلیق گفت: بله، یوحنا از قول حضرت مسیح، این طور نقل کرده و نبوت مردی را بشارت داده

و هم به اهل بیت و وصی او، مژده داده؛ ولی معین نکرده که این ماجرا، چه وقت اتفاق خواهد افتاد و ایشان را برای ما معرفی نکرده

است تا ایشان را بشناسیم. امام فرمود: اگر فردی که بتواند انجیل بخواند را در اینجا حاضر کنم و مطالب مربوط به محمد و اهل بیت و امت او را برایت تلاوت کند، آیا ایمان می آوری؟

جاثلیق گفت: سخن نیکی است. آن حضرت نیز ضمن احضار نسطاس رومی، به او فرمود: انجیل را تا چه حدی در حفظ داری؟

گفت: به تمام و کمال، آن را حفظ هستم.

سپس رو به رأس الجالوت نموده، فرمود: آیا انجیل خوانده ای؟

گفت: آری. امام فرمود: من بخشی را می خوانم؛ اگر در آنجا مطلبی درباره محمد و اهل بیت او و امتش بود، شهادت دهید و اگر مطلبی در این باره نبود، شهادت ندهید. سپس امام، ضمن خواندن انجیل، به ذکر پیامبر رسید؛ توقف کرده، فرمود: ای نصرانی! تو را به حق مسیح و مادرش قسم! آیا دریافتی که من عالم به انجیل هستم؟

گفت: آری.

سپس مطلب مربوط به محمد و اهل بیت و امتش را تلاوت فرمود و گفت: حال چه می گویی؟ این عین سخن مسیح است. اگر مطالب انجیل را تکذیب کنی، موسی و عیسی را تکذیب کرده ای و اگر این مطلب را منکر شوی، قتل تو واجب است؛ زیرا به خدا و پیامبر و کتاب خود، کافر شده ای!

جاثلیق گفت: مطلبی را که از انجیل برایم روشن شود، انکار نمی کنم؛ بلکه بدان اذعان دارم.

امام فرمود: شاهد بر اقرار او باشید.<sup>۲</sup>



مطلب فوق، برگرفته از کتاب «روش شناسی اهل بیت در پاسخ به شبهات»، نگاشته محمد صالح جباری است که در پنج بخش، به این موضوع پرداخته است. عناوین این بخش ها، عبارتند از:

مفاهیم و مبانی، ویژگی های روش اهل بیت در پاسخ به شبهات، روش های دفع شبهات، روش های رفع شبهات و نتایج بحث. این اثر، در ضمن ۱۸۰ صفحه در سال ۱۴۰۲ توسط مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات، منتشر شده است.

## پی نوشت:

۱. حضرت عیسی بر حسب نقل یوحنا، در فصول ۱۴، ۱۵ و ۱۶ انجیل خود، از ظهور شخصی پس از خود، به نام «پارقلیطا: پریکلیطوس»، بشارت داده و او را رئیس جهان و شرعش را ابدی و... معرفی نموده است. در یوحنا (۱۶: ۱۴) می فرماید: «و من از پدر خواهم خواست و او پارقلیطای دیگری به شما خواهد داد که تا ابد با شما باشد» و در یوحنا (۲۶: ۱۵) می فرماید: «و چون بیاید آن پارقلیطا که من به سوی شما خواهم فرستاد از جانب پدر، روح راستی که از جانب پدر می آید، او درباره من شهادت خواهد داد». کلمه «پارقلیطا» سریانی، ترجمه از اصل یونان «پریکلیطوس» است که به معنی «بسیار ستوده» و «بی نهایت نامدار» است و در عربی به «محمد» و «احمد» ترجمه می شود. (حسین انصاریان، اهل بیت، عرشیان فرش نشین، ص ۲۷۲ و ۲۷۳).

۲. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۱۶.



# ازدواج با کدام پول؟

## نگاه اول

جوانی نزد رسول خدا ﷺ آمد و از فقر و نداری در زندگی اش گله کرد. رسول خدا به او فرمود: ازدواج کن. پس از چندی، او دوباره به رسول خدا، از نداری و فقر در زندگی، شکایت کرد. حضرت دوباره به او فرمود: ازدواج کن. او برای بار سوم، به رسول خدا مراجعه کرد و از تنگ دستی خود، شکایت کرد و حضرت باز هم فرمود: ازدواج کن؛ زیرا رزق و روزی، به همراه همسر و فرزند است.

## نگاه دوم

یارانه پنهان، یارانه ای است که مردم آن را دریافت می کنند؛ ولی بابت آن، عددی در محاسباتشان قرار نمی گیرد. به عنوان مثال، وقتی بنزین یا برق در کشور تولید می شود، اما کمتر از قیمت تمام شده آن، در اختیار مردم قرار می گیرد، این بدین معناست که مردم، یارانه ای دریافت کرده اند؛ بدون آنکه پولی به حسابشان واریز شده باشد. اگر بهای تمام شده هر کیلو وات برق، ۵۰۰۰ تومان باشد و دولت، آن را با قیمت ۱۰۰۰ تومان به مردم بدهد، ۴۰۰۰ تومان آن، یارانه ای است که به مردم داده می شود؛ گرچه به صورت مستقیم، در حساب مردم واریز نمی شود؛ یعنی مردم ۱۰۰۰ تومان هزینه می کنند؛ اما آنچه به دست می آورند، ارزشی معادل ۵۰۰۰ تومان دارد.

خداوند نیز در ازدواج، آثار و برکاتی قرار داده است که چه بسا با محاسبات مادی و اندازه گیری های بشری، به حساب نیاید؛ اما واقعیت ازدواج، چون یارانه پنهانی است که هم آرامش می آورد، هم باعث رشد می شود و هم مال و امکانات زندگی را افزایش

می دهد. با ازدواج است که انسان، هم به وصال می رسد و هم آینده را می سازد.

ازدواج، چون هم نیاز است و هم ضرورت، در همه ادیان و فرهنگ ها توجه خاصی بدان شده است و چون بسیار مهم است، هم برای شروع آن و هم برای دوام آن، راهکارها و دستورات زیادی داده شده است. ازدواج، چون با سلامت فرد و جامعه سر و کار دارد، دغدغه ای برای همگان است.

## نگاه سوم

یک وقت خدمت امام رفتم. ایشان می خواستند خطبه عقدی را بخوانند. تا من را دیدند، گفتند شما بیا طرف عقد بشو. ایشان عقد را اول می خواندند، بعد دو سه جمله کوتاه، صحبت می کردند. من دیدم ایشان پس از اینکه عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می زنیم؛ اما کلام امام در همین یک جمله «بروید با هم بسازید»، خلاصه می شود! حالا ما هم عرض می کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پسر، زن و شوهر منافع دارد، بایستی بیگانه تلقی نشود. این را اصل قرار بدهید!

■ نصرالله درویشی

## پی نوشت:

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۰/۴/۲۰.

# سرک درمه

# وب آزادی د آزادی!



اغتشاشاتی که خود در ایجاد آن در کشور ما نقش داشتند، جمهوری اسلامی را متهم به نقض آزادی و خفه کردن صدای مخالف و خشونت علیه مردم کردند و حادثه مرگ یک زن را تکرار و تبدیل به یک جنجال گسترده رسانه‌ای کرده، در صدر اخبار جهان قرار دادند و موضوع را به سازمان ملل کشاندند؛ اما بیش از ۳۴ هزار انسان، توسط رژیم جنایت‌کار صهیونیستی، جلوی چشم همه به خاک و خون کشیده می‌شوند، اما این کشورهای مدعی حقوق بشر و آزادی، نه تنها این جنایات ضدانسانی را محکوم نمی‌کنند که حتی اعتراض به این جنایت را هم بر نمی‌تابند.

این استاندارد دوگانه و تناقض آمیز غرب در برخورد با آزادی و حقوق بشر، بالای جان آنها شده و یقه آنها را خواهد گرفت. هزینه‌ای که این کشورها در مواجهه با این خیزش دانشگاهی، پرداخت کردند و حاضر شدند برخی ظاهرسازی‌ها را کنار بگذارند، نشان از نفوذ و تسلطی است که جریان‌های صهیونیسم، بر حاکمیت این کشورها داشته، بیانگر احساس خطری است که این رژیم و این کشورها از گسترده شدن ابعاد آن دارند که موجودیت این رژیم جعلی و پایه‌های تمدن غرب را با حمایت آشکار از چنین رژیمی، نشانه گرفته است.

نابود شدن تلاش‌های گسترده رسانه‌ای رژیم صهیونیستی در مقبولیت‌سازی برای آن و سرپوش گذاشتن بر جنایات آن و گسترده شدن نفرت عمومی نسبت به این رژیم، پس از از جلوه‌های شکست غیرقابل ترمیم این رژیم، پس از عملیات «طوفان الاقصی» است که نه تنها سقوط این رژیم را نزدیک خواهد کرد، بلکه بنیان‌های تمدن غربی را به چالش کشیده است.

□ علی مجتبی زاده

در هفته‌های اخیر، شاهد اعتراضات گسترده دانشجویی علیه جنایات رژیم صهیونیستی در ایالت‌های مختلف آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بودیم که با خشونت و برخوردهای شدید نیروی پلیس در این کشورها همراه بود.

اگر جنایات گسترده و نسل‌کشی این رژیم در غزه و کشتار بیش از ۳۴ هزار نفر و هزاران کودک بی‌دفاع و زن مظلوم، ماهیت غیرانسانی و جنایت‌کار این رژیم را به صورت گسترده، در افکار عمومی جهان آشکار ساخت که امپراتوری کثیف رسانه‌ای صهیونیستی، نتوانست بر آن سرپوش بگذارد، اعتراضات دانشجویی و برخورد خشونت‌آمیز با اعتراضات مسالمت‌آمیز دانشجویی و ورود پلیس به محوطه دانشگاه‌ها و ضرب و شتم دانشجویان و دستگیری اساتید دانشگاه و دانشجویان، دروغین بودن ادعای آزادی و حقوق بشر در این کشورها را به تصویر کشید و پرده تزویر را از چهره تمدن لیبرال دموکراسی، کنار زد و نشان داد که دانشگاه، دانشجو و آزادی بیان و حقوق بشر، تا جایی برای این کشورها قابل احترام است که در راستای منافع و خواست آنان باشد؛ اما اگر سیاست‌های آنان را به چالش بکشد، برای آنها ارزشی نخواهد داشت.

سال‌ها بود که این کشورها، با حربه و چماق آزادی و حقوق بشر، کشورهایی را که مخالف سیاست‌های آنان بودند، تحت فشار قرار می‌دادند؛ اما در این موج اعتراضات دانشجویی، چهره بی‌پرده این کشورها، به نمایش گذاشته شد.

این کشورها، همان کشورهایی هستند که در

**اعتراضات دانشجویی و برخورد خشونت‌آمیز با اعتراضات مسالمت‌آمیز دانشجویی و ورود پلیس به محوطه دانشگاه‌ها و ضرب و شتم دانشجویان و دستگیری اساتید دانشگاه و دانشجویان در غرب، دروغین بودن ادعای آزادی و حقوق بشر در این کشورها را به تصویر کشید و پرده تزویر را از چهره تمدن لیبرال دموکراسی، کنار زد**





## تولد زمین



بیست و پنجم ذی القعدة، روزی است مشهور است در چنین روزی، «دحو الارض» اتفاق افتاد. خداوند، رحمت خود را در این روز و شب، شامل حال بندگانش می‌کند و بر اساس روایات اسلامی، به قیام و عبادت در آن، ثواب فراوانی تعلق می‌گیرد. از لحاظ لغوی، «دحو» به معنای بسط دادن و گستراندن است<sup>۱</sup> و به گسترده و کشیده شدن چیزی، «دحو الشیء» گفته می‌شود<sup>۲</sup> در نتیجه، «دحو الارض» یعنی گستراندن و کشیدن زمین. آیه «و الارض بعد ذلک دحها»<sup>۳</sup> و زمین را بعد از آن بگسترانید»، اشاره به این معنی دارد.

همچنین این دعای امیرمؤمنان علیه السلام «اللهم داحی المدحوات؛ خدایا! ای بسط دهنده و گستراننده زمین»<sup>۴</sup> به این مسئله اشاره دارد که خداوند، زمین را گستراند.

شیخ طوسی می‌گوید: دحو الارض، به روز ۲۵ ذی القعدة اطلاق می‌شود که در چنین روزی، خداوند، زمین را از زیر کعبه گسترش داد.<sup>۵</sup> در این روز، غسل، مستحب است و ثواب روزه آن، معادل ثواب شصت سال عبادت است.

در روایتی آمده است که در روز دحو الارض، خداوند، زمین را از نقطه کعبه، وسعت داد و حضرت ابراهیم و حضرت عیسی متولد شدند.<sup>۶</sup> دحو الارض، در دو آیه قرآن، مطرح شده است:

- «وَالْأَرْضِ وَمَا ظَلَّهَا؛ سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده».
- «وَالْأَرْضِ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا»<sup>۷</sup> و پس از آن، زمین را با غلظت بگسترده».

### دیدگاه مفسران و دانشمندان

۱. زمین در ابتدا، زیر آب، غرق بود و به تدریج، آب‌ها در گودال‌های زمین قرار گرفت و خشکی‌ها سر برآورد و گسترده شد. اولین نقطه‌ای که سر برآورد، محل کعبه بود که از آن، به دحو الارض تعبیر می‌شود.<sup>۹</sup>
۲. در آغاز، زمین به صورت پستی‌ها و بلندی‌های تند و غیرقابل سکونت بود. باران‌های سیلابی، به صورت مداوم می‌بارید و ارتفاعات زمین را می‌شست و در دره‌ها جمع می‌کرد و به تدریج، زمین‌های مسطح و قابل استفاده برای زندگی و کشت و زرع انسان، به وجود آمد.<sup>۱۰</sup>
۳. از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است: «خدای متعال، وقتی می‌خواست زمین را خلق کند، بادها را فرمان داد تا به شکم آب بزنند و آن را به شکل موج درآورند. آب‌ها در اثر طوفان، کف کرده، همه کف‌ها یک جا جمع شدند و محل فعلی کعبه، به وجود آمد. آن گاه آن را به صورت کوهی از کف درآورده، زمین را از زیر (دامنه) آن کوه بگسترانید و آیه «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»، سخن از همین مطالب دارد.<sup>۱۱</sup> پس اولین بقعه‌ای که خدا از زمین خلق کرد، کعبه بود و سایر نقاط، از ناحیه کعبه گسترانیده شدند و به این امر، دحو الارض گفته می‌شود. خداوند در خلقت زمین، ابتدا محل کعبه را خلق کرد

که آن، محاذی بیت المعمور در عرش الهی است و ملائکه در آسمان، به سان انسان‌ها در روی زمین، دور آن طواف می‌کنند و بعد از خلق محل کعبه، زمین از نقطه کعبه وسعت یافت و گسترانیده شد.<sup>۱۲</sup>

### دحو الارض، همسوی با علم

بر اساس نظریه اشتقاق «واکنش»، زمین از یک نقطه نخستین، شروع به جدا شدن کرده، به تدریج، خشکی‌ها و آب‌های کنونی شکل گرفته‌اند. در روایات اسلامی، این نقطه، «کعبه» معرفی شده است. پس از دورانی که سطح کره زمین را آب فرا گرفته بود، این خشکی، مانند جزیره‌ای، از وسط دریا بالا آمد و به تدریج، گسترده و بزرگ شد.<sup>۱۳</sup> برخی نیز با اشاره به دیدگاهی در کیهان‌شناسی که معتقد است زمین در اصل، مذاب بوده و سپس در اثر سرد شدن قسمتی از آن، منجمد شده و به تدریج، بر وسعت آن افزوده شده و امروزه تمام آن را فرا گرفته، ظاهر آیه را هماهنگ با این نظریه دانسته‌اند.<sup>۱۴</sup>

در معنای «دحو»، مسئله توسعه دادن (بسط) و حرکت، نهفته است و «دحو» بر اساس استعمال لغوی، دو حرکت انتقالی و دورانی را برای کره زمین نشان می‌دهد.<sup>۱۵</sup> علامه طباطبایی می‌نویسد: «هزار سال پیش از آنکه گالیله از حرکت زمین به دور خود سخن گوید، قرآن به صراحت از چرخش زمین، بحث کرده و در احادیث اهل بیت، به قدری از آن بحث گردیده که «دحو الارض»، زبان زد همگان شده است».<sup>۱۶</sup> برخی مفسران معاصر، حرکت وضعی و انتقالی کره زمین را از آن استفاده کرده‌اند.<sup>۱۷</sup>

### پی‌نوشت:

۱. زبیدی، تاج العروس، ج ۲، ص ۳۰۴.
۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۴.
۳. نازعات، آیه ۳۰.
۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۱ و نهج البلاغه، خطبه ۷۲.
۵. شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۲۸۲.
۶. عاملی، مدارک الاحکام، ج ۶، ص ۲۶۵.
۷. شمس، آیه ۶.
۸. نازعات، آیه ۳۰.
۹. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۳.
۱۰. همان.
۱۱. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۵.
۱۲. محقق خوانساری، مشارق الشموس، ج ۲، ص ۴۵۵.
۱۳. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴.
۱۴. قرشی، ج ۶، ص ۲۴۳.
۱۵. شیخ خالد عبدالرحمن العک، الفرقان و القرآن، ص ۴۶۸.
۱۶. حسین عرفان، اعجاز قرآن، ص ۱۳۰.
۱۷. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴ و سید هبة الله شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۵۱.



# نبوت خمینی!



یکی از رفقای طلبه آفریقایی که قبلاً ساکن قم بود، در مکه پیش من آمد و گفت: امام جمعه یکی از شهرهای بزرگ آفریقا که در هر نماز جمعه‌اش، شیعیان را لعن می‌کند، با تعداد زیادی از مریدانش، به مکه آمده است؛ آیا شما حاضرید با او بحث کنید؟

گفتم: بله. بعد از نماز ظهر یا عصر آمد و اولین سوالی که پرسید، این بود: نظر شما درباره نبوت خمینی چیست؟ ببینید چه چیزی در گوش او می‌خواندند که شیعه‌ها می‌گویند: امام خمینی، پیامبر است! پنج سؤال دیگر هم کرد.

به او گفتم: من از شما یک سؤال می‌کنم. فرض کنید کسی شما را به منزلش دعوت کند و نشانی محله‌ای را بدهد که در آن، هفتاد و سه خانه مثل هم باشند (شبییه خانه‌های سازمانی) و نشانی دقیق را هم به شما ندهد و اتفاقاً در همه خانه‌ها، حیوانی درنده باشد، مگر خانه خودش؛ اگر شما رفتید در خانه دیگری رازدید و وارد شدید و به شما آسیب رسید، چه کسی مسئول است؟

گفت: همان کسی که دعوت کرده و نشانی درست نداده است.

گفتم: مگر پیامبر نفرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي مَحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَتَفْتَرِقَنَّ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، وَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَثِنْتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ» قسم به کسی که جان محمد به دست اوست! حتماً امت من به ۷۳ فرقه تقسیم می‌شوند که فقط یک فرقه آنها در

بهشت است و ۷۲ فرقه دیگر، در آتش هستند؟»  
گفتم: بله.

گفتم: اگر پیامبر، نشانی درست ندهد و کسی هلاک شود، چه کسی مسئول است؟

گفت: پیامبر مسئول است و سپس سؤال کرد: آیا پیامبر اکرم، نشانی داده یا نداده است؟

گفتم: بله، از وقت علنی شدن دعوت (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ و نخست) خویشان نزدیک را (از خدا) پترسان) (شعراء، آیه ۲۱۴) و آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ؛ پس تو آشکارا آنچه مأموری، (به خلق) برسان و از مشرکان، روی بگردان» (حجر، آیه ۹۴) شروع کرد به تبلیغ علی بن ابیطالب؛ همین طور یک یک تا اینکه در غدیر، علنی فرمود و بعد از آن هم می‌خواست آن را مکتوب کند که نگذاشتند.

سپس سؤال کرد: بعد از علی، چه کسی هست؟ اسم امامان را بر دم. گفت: تشیع این است؟ گفتم:

بله. گفت: اگر تشیع این است، من هم شیعه هستم و شهادتین را گفتم. گفتم: تو از اول مسلمان بودی. اسم ائمه را هم برد و گفتم: من شیعه هستم.

دو روز بعد، آن طلبه آفریقایی که واسطه بحث ما با آن امام جمعه آفریقایی بود، آمد و گفت: آقا چه کار کردید؟ این شخص، با کاروانی آمده بود که هزار نفر همراه او بودند؛ بعد از بحث با شما، رفت پیش همراهانش و گفت: من تا به حال گمراه بودم؛ بحثی با یک عالم شیعی داشتم و تازه فهمیدم گمراه هستم و الان راه حق را پیدا کرده‌ام. او حرف‌های شما را مو به مو منعکس کرده بود و به خاطر این بحث، هفتصد نفر در مکه، شیعه شده بودند.

■ نجم‌الدین مروجی طبسی

## پی‌نوشت:

۱. سنن ابن ماجه، ج ۵، ص ۱۲۸-۱۲۹.

## شبهات

ماهنامه پویش مطالعاتی دانش جوان و طلاب جوان  
مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)  
شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۲۱

www.Shobhe.pasokh.org  
@shobahat\_mag

pasokh.org | spasokh.com  
wikipasokh.com  
pasokh.tv | shobhepajouhi.ir



## شبهات

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی  
دانش جوان و طلاب جوان  
شماره بیست و چهار / فروردین ۱۴۰۳